

مواضع حزب وطن

در مورد انتخابات ریاست جمهوری و شورای های ولایتی و ولسوالی ها

مطابق احکام قانون اساسی کشور ، افغانستان در آستانه انتخابات قرار دارد ، طوریکه معلوم است انتخابات ریاست جمهوری و شورا های ولایتی همزمان به عمل خواهد آمد . با تصویب و توشیح قانون ساختار و اختیارات کمیسیون مستقل انتخابات و قانون انتخابات ، ظاهراً تمهیدات قانونی تدویر انتخابات نیز فراهم گردیده .

از نظر ما انتخابات در نفس خود یک پروسه دموکراتیک است ، باوصف امکانات دستکاری درین پروسه و تاثیرات انحراف دهنده فکتر های مختلف که سواستفاده ازین پروسه را مدنظر داشته میتواند ، عدم شرکت در آن در واقع خالی گذاشتن میدان مبارزه برای دفاع و گسترش حقوق فردی و اجتماعی مردم ما به نفع طیف های گوناگون نیروهای بنیاد گراست که در عمل صلح ، ترقی و وجود افغانستان مستقل و واحد را هدف خصمانه ترین تهاجمات خود قرار داده اند ، لذا حزب وطن به حیث نیروی منسجم سیاسی سراسری ملی در کار انتخابات فعالانه اشتراک میورزد و از مجموع نیروهای ملی و طندوست ، صلخواه و ترقی پسند می طلبد با استواری و هدفمندی درین کارزار شرکت ورزند .

هدف ما ازین دعوت قبل بر همه معطوف به نقش روشنگرانه است که وظیفه تاریخی حزب وطن و تمام نیروهای وطندوست طرفدار ترقی و دموکراسی محسوب میگردد ، دموکراسی با شعار تحقق یافته نمیتواند ، مردم باید در عمل فرصت یابند و تجربه کنند که چگونه میتوانند نماینده های واقعی خود را انتخاب و ازین طریق پروسه دموکراسی سازی را تعمیم و تعمیق بخشند و به اهمیت مسؤلیت و نقش خویش درین پروسه پی ببرند .

از نظر ما این انتخابات نه تنها از لحاظ مقیاس (در سطح یک ولایت یا در سطح تمام کشور) بلکه از لحاظ شیوه بر خورد با مسئله انتخابات در مقیاس های مذکور نیز طالب برخورد های مشخص و جداگانه است و این تفاوت در اتخاذ مواضع ما انعکاس روشن دارد . بدین لحاظ مسایل انتخابات را در دویخس جداگانه مورد بحث قرار میدهم :

یک - انتخابات شورا های ولایات :

(یاداشت : اگر انتخابات در سطح شورا های ولسوالی نیز دایر گردد دیدگاه و روش ما کاملاً مشابه به روش ما در انتخابات شورا های ولایتی خواهد بود .)

حزب ترجیح میدهد در انتخابات شورا های ولایتی با ارائه کاندید خود شرکت و برای پیروزی آن تدابیر مشخص اتخاذ نماید . در صورتیکه امکانات حزب در بعضی ولایات محدود باشد در آنصورت :

الف - کاندید خویش را ارائه و برای پیروزی آن با شخصیت های حقیقی و حکمی وارد ائتلاف ها و همکاری متقابل خواهد شد :

ب - در صورتیکه کاندید طرف ائتلاف چانس برد بیشتر را داشته باشد از کاندید موصوف بر اساس همکاری بالمثل در حوزه های دیگر « ولایات دیگر » ، حمایت به عمل می آید :

بدین منظور شورا های حزبی حزب وطن موظف هستند تا در سطح حوزه و یا حوزه های انتخاباتی مربوط تحلیل دقیق از وضعیت نیرو ها و شخصیت های حقیقی و حکمی طرف ائتلاف رامورد ارزیابی قرار داده و رهبری حزب را عرض اتخاذ تصامیم لازم در جریان قرار دهد .

از آنجائیکه سطح رشد ، مطالبات و نیازمندی هر ولایت از هم متفاوت است شورا های حزبی بادر نظر داشت احکام اساسنامه حزب و استقلال عمل که در آن تعریف گردیده تصامیم لازم اتخاذ میدارند .

با کی ها و در تحت کدام شرایط وارد ائتلاف میشویم ؟

مرانامه حزب وطن مصوب مجمع عمومی حزب مورخ ۵ میزان ۱۳۹۱ اهداف ، ماهیت و سمت حرکت حزب را تعیین نموده است . با در نظر داشت و رعایت اهداف مرامی خود ، حزب وطن در پروسه انتخابات برای شورا های ولایتی با تمام عناصر و نیروهای صلح طلب و ترقی پسند (اعم از شخصیت های حقیقی و حکمی) صرف نظر از تعلق آنها به مذهب ، زبان ، ملیت و جنسیت به شرط حمایت و طرفداری شان از صلح و ترقی آماده تشریک مساعیست . ناگفته

پیداست که جنگ طلبان، گروه‌های مافیایی، گروه‌های نفاق افکن و وابسته به استخبارات خارجی شامل لست طرف تشریک مساعی ما بوده نمیتوانند.
 دو - انتخابات ریاست جمهوری:

انتخابات ریاست جمهوری برای ما مسئله با اهمیت ملیست، بخصوص دوره انتخابات که در پیشروست مصادف با حوادث و رویداد های است که نه تنها در حیات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی امروز کشور که در فردای آن نیز تاثیرات بزرگی از خود بجا خواهد گذاشت. آرایش نیروها درین انتخابات و نتایج آن که در نتیجه انتخابات انعکاس می یابد به نوبه خود بالای سمتگیری، کندی و سرعت حوادث یاد شده اثر میگذارد از اهمیت تعیین کننده برخوردار است. با در نظر داشت وضعیت عینی حاکم بر مناسبات سیاسی کشور، ما با یک جامعه عمیقاً تقسیم شده سروکار داریم. رویداد ها و حوادث گواه آنست که بحران افغانستان با گذشت هر روز پیچیده تر میشود، به هر اندازه که به ختم احتمالی جنگ نزدیکتر میشویم ابعاد مکتوم و در سایه قرار گرفته بحران نیز نمایان تر میگردند.
 - انکشاف اوضاع نشان میدهد که یکی از ویژه گی های ناگزیر بحران، انقطاب نیروهای اجتماعی برای اثر گذاری بر تعیین مسیر حرکت رویداد هاست که بدون شک بر پروسه انتخابات ریاست جمهوری نیز مهر و نشان خود را میزند.

- بعید از امکان نیست که مرکزیت اثر گذاری بر پروسه های سیاسی - اجتماعی از «نخبه گان» و ساختار های سنتی حاضر در صحنه به تحرکات مردمی انتقال یابد، این انتقال در پهلوی آنکه راه را بسوی شرکت گسترده مردم در انتخابات میگذشاید، خطرات بزرگی را نیز همراه دارد، منجمله ایجاد زمینه های مساعد برای نیروهای درکمین نشسته و وابسته به بیگانه گان که هیچ امکانی را تا کنون برای تخریب وحدت و تفاهم بین الافغانی و تشدید مخالفت های قومی از دست نداده اند.
 اعضای محترم شورا!

طوریکه میدانیم در شرایط تغییر یافته و تغیر یابنده وظیفه تعقیب راه و تحقق آرمانهای داکتر نجیب الله را در برابر خویش قرار داده ایم، طوریکه تذکر یافت مشخصه آنرا انقطاب اجتماعی تشکیل میدهد که در نتیجه عملکرد و تاثیر فکتور های داخلی و خارجی در جامعه بوقوع پیوسته است. درک علل، عوامل و پایایی این انشقاق از پیش شرط های اولیه اتخاذ سیاستهای درست و بموقع محسوب میگردد.

از نظر ما برخی ازین انشقاق ها غیر طبیعی، محدود و تحمیلی است. تقسیمات سیاسی بر محور های اثنیکی، زبانی و مذهبی از همین دسته تقسیمات تحمیلی است که عمدتاً منابع این تحرکات در بیرون از مرزهای کشور موقعیت داشته و از نتایج عملکرد این جریانات نیز تنها منابع مذکور بیشترین سود را نصیب میشوند.
 تا جائیکه مسئله بر میگردد به انقطاب نیروهای موثر بر تعیین مسیر حرکت رویداد ها که از شرایط داخلی آرایش نیروهای اجتماعی جامعه ما نشأت میکند این دگر مسئله حیاتی نبرد «بودن» و «شدن» مبارزه میان نو و کهنه است. اینجا چه در عرصه اقتصادی و چه در عرصه اجتماعی مسئله اصلی بر سر تقلا ی جایگزینی و بدست آوردن هاز یک طرف و مقاومت و حفظ دست داشته ها از طرف دیگر است.

سیاستگذاران و سیاستگذاریهای جامعه ما اصولاً باید این وضعیت را درک و مدنظر داشته باشند تا به بیراهه نه لغزند، تا هنوز تلاشهای آشکار جریان دارد تا با برجسته ساختن انقطابهای تحمیلی و مصروف نگهداری نیروهای فعال جامعه در آن، مسیر حرکت جامعه مارا اخلال و به منافع خود بچرخانند. این مسئله زمانی بیشتر با اهمیت و خطرناک میگردد که مرکزیت اثر گذاری بر پروسه های سیاسی - اجتماعی از «نخبه گان» و ساختار های سیاسی سنتی حاضر در صحنه به تحرکات مردمی انتقال یابد. درین وضع تحمیل انقطاب های مصنوعی میتواند خونین و خطر نهدینه شدن خصومت ها در میان احاد ملت را در پی داشته باشد.

روشن است که سرنوشت نبرد میان گرایشات متضاد مذکور چه در زیر سایه تفنگ و چه در نبود آن (قطع جنگ) را درجه استواری نیروهای هر دو طرف در حفظ مواضع شان و جذب هر چه وسیعتر احاد ملت به پشتیبانی از خود تعیین مینماید. به همین سبب حزب از هر گامیکه بطرف وحدت ملی و تفاهم بین الافغانی برداشته میشود باید استقبال نماید. از همین اکنون محور ها و گروه های دست بکار شده اند تا تشدید مخالفت های اثنیکی، زبانی و مذهبی برای کاندیدا های مورد نظر خویش رای جمع آوری نمایند. ما این عمل را خلاف مصالح علیای وطن و خیانت به کشور تلقی نموده مرود میدانیم.

پروسه انتخابات و مخصوصاً انتخابات که در پیشرو داریم به برد و باخت ساده ختم نمیشود، این پروسه بر خیلی از متحولهای سیاسی - اجتماعی تاثیرات خود را بجا میگذارد، از آنجمله بر استقرار سیاسی که شرط عمده هر تحول مثبت و سازنده است، تکوین ملت که تمام احاد ساکن در افغانستان را دربر میگیرد و بوجود آمدن منافع مشترک آنها که بر محور آنها منافع ملی قابل تعریف میگردد. این پروسه مخصوصاً به سرنوشت دستاورد های دموکراتیک مسجل در قانون اساسی، حقوق اساسی اتباع بخصوص زنان و جوانان و مسیر رشد سیاسی و اقتصادی افغانستان تاثیرات تعیین کننده دارد.

این وضعیت اهمیت رهبری رویداد ها و حوادث را تا سطح اهمیت تامین صلح، تفاهم بین الافغانی و حفظ و حراست تمامیت ارضی کشور بالا میبرد، واضح است که در وضع موجود هیچ حزب و سازمانی به تنهایی قادر نیست تا وظیفه رهبری پروسه های سیاسی - اجتماعی را بدوش گیرد. این رهبری ناگزیر است بر جبهات و یا ائتلافهای گسترده متکی

باشد. رهبری این پروسه و اثرگذاری بر وضعیت سیاسی قبل از هر چیز به مواضع مشخص، روشن و تشریحی. مساعی نیروهای همسو ضرورت دارد، مسلم است که این همسویی بسیار گسترده تر از همسویی فکری میان نیروهای سیاسی - اجتماعی در وضعیت نورمال است، این ویژه گی سوال اثرگذاری جبهه یی بر رویدادها را در صدر قرار داده است حزب وطن در پروسه رای دهی اتخاذ مواضع سیاسی و تشخیص جبهه که میباید در آن حضور یابد برنامه، پلانفورم و درجه عینیت و توازن بین خواستها، ادعاها و امکاناترا مدنظر خواهد داشت.

تلاشهای صلح پسندانه مردم افغانستان و جامعه جهانی شاید به قطع آتش بیانجامد ولی سرنوشت نبرد میان گرایشهای متضاد اجتماعی را آرایش نیروهای متضاد مذکور و استواری آنان در مبارزه برای دسترسی به اهداف معینه شان تعیین مینماید. در چنین وضعیت ما از هر گامیکه بسوی تفاهم و تقرب نیروها (صرف نظر از تعلق آنها به قومیت، نژاد، مذهب و منطقه) برداشته میشود استقبال مینمایم.

تجارب جوامع بشری نشان میدهد که ائتلافها و اتحاد عمل میان نیروهای فعال جامعه با دو شیوه عام شکل گرفته اند. از موضع نفی گرانه (نخواستن) و از موضع خواستن. مواضع نفی گرانه همیشه کوتاه مدت و از جاذبه وسیع تر برخوردار بوده استعداد بیشتر در به صحنه آوردن نیروهای مختلف و حتی متضاد را داراست در حالیکه مواضع اثبات گرانه بر بنیاد گرایشهای فکری، برداشتها و اهداف مشترک، سمت و سوی حرکت به آینده و آینده را به تصویر میکشد، تشکل مییابد که در اکثر موارد از گسترده گی مواضع نفی گرانه برخوردار نیست.

در وضعیت موجود، مطالبات سیاسی در کشور ما طور شکل گرفته است که هر دو موضع از استعداد به صحنه آوردن بیشترین نیروها برخوردار بوده، منافع و خواستهای شان باهم انطباق یافته است که محوری ترین مسایل ائتلاف بالقوه را در شعارهای صلح، ترقی، حاکمیت قانونمدار، حقوق بنیاد و استقرار سیاسی (مواضع اثبات گرانه، خواستن) و مخالفت با جنگ، بنیادگرایی اعم از طالبی و غیرطالبی، گروه های مافیایی و خطر پاکستان و کشور های مداخله گر منطقه و دور از منطقه (موضع نفی گرانه، نخواستن) میتوان دید، ائتلافی که از آن سخن میگویم بر اساس مواضع منطبق مذکور بنیاد گذاشته شود تا نه تنها کشاندن بیشترین مردم به صحنه، بلکه وحدت عمل بعدی جنبش مردمی را نیز یقینی ساخته بتواند.

با توجه به حقایق فوق حزب وطن تصمیم اتخاذ نمود تا از ارائه کاندید مستقل خویش برای انتخابات ریاست جمهوری صرف نظر نموده مساعی خود را جهت ایجاد اجماعی متمرکز سازد که در چوکات عام تامین صلح، حراست حقوق فردی و اجتماعی اشخاص حقیقی و حکمی و ترقی کشور میتواند مساعی مشترک داشته باشند و در همین چوکات کاندید مشترک خویش را پیش کشند.

این کاندید دارای کدام خصوصیات باشد.

- دارای اهلیت حقوقی و توان شخصی برای رهبری چنین وظیفه تاریخی باشد.

- با افراطیت و بنیادگرایی (از هر قماش که باشد)، با مفسدین و مجرمین تعلق و همگرایی نداشته و خود دارای سوابق جرمی و فساد نباشد.

- دارای سابقه، نام نیک و اعتقاد به وحدت تمام اقوام قبایل و گروه های ائتلیکی افغان در یک ملت واحد و تمامیت ارضی کشور باشد.

برداشت و خواست ما از اجماع: (نکاتی را که باید مدنظر داشت)

- از نظر ما اجماع بایستی بر محور منافع وسیعترین اقشار جامعه پی ریزی گردد. سمت حرکت و ماهیت آن مشخص باشد. یعنی صلحخواه، ترقی پسند، حقوق محور و قانونمدار.

تجموع تمام احاد ملت و ساختارهای سیاسی اجتماعی با دیدگاهها و اهداف عام متضاد (به گونه مثال نیروهای صلح خواه و جنگ طلب، ترقی پسند و عقبرگرا، دموکرات و بنیادگرا، جمهوری طلب و امارت خواه ...) یک توهم است حتی اگر زیر نام پر جاذبه اجماع ملی هم طبقه بندی گردد.

- حزب وطن معتقد است که حاکمیت به مردم تعلق دارد، این مردم افغانستان هستند که حق دارند از طریق انتخابات قانونی در مورد تعویض مشروع حاکمیت تصمیم بگیرند، هر اقدامی را که (تحت هر عنوان و بهانه) مردم را ازین حق محروم گرداند مردود میدانند.

- تجربه ثابت ساخته است که هر جریان بیگانه با حافظه تاریخی مردم، در صورت که شناخت مردم از آن تأمین وزمینه های پذیرش آن مهیا نگردیده باشد، با پاسخ منفی مردم مواجه میگردد.

سیستم تقلیدی اداره و حاکمیت در کشور یکی از عوامل بارز ضعف آنرا تشکیل میدهد، مخصوصاً که انتقال تمرکز قدرت از ارگانهای اداره به شخص و قرائت غلط ازین تقلید تصویری نادرستی را نیز به جامعه ارائه داده است.

بازنگری سیستم اداره و حاکمیت از وظایف اولیه این اجماع تلقی میگردد. ما از سیستم و اداره نیرومند، ثابت و متمرکز ملی قانونمدار و مسؤل حمایت میکنیم نه از تمرکز قدرت در دستن شخص و یا اشخاصیکه منبع اقتدار شان فساد و مواد مخدره است و در راس ادارات غیر مسؤل مافیای گونه جا خوش نموده اند.

به نظر ما اهمیت ثبات ادارات درتداوم تجارت و ایجاد کادر مسلکی مجرب و توزیع منطقی صلاحیتها به ادارات مسلکی تبلور مینماید در حالیکه در کشور ما، حداقل از دوده بدینسو پست های اداری و مسلکی به قلمرو اشخاص حقیقی و حکمی مبدل گردیده و با تغییر وزیر در مواردی تا سطح مستخدم نیز تغییر مینماید. حکومت مرکزی از نظر ما رهبری منسجم و متوازن مرکزی است نه تمرکز تمام صلاحیتهای اجرایی در مرکز.

- در وضعیتی که از رئیس جمهور مملکت گرفته تا فرد عادی جامعه از تضعیف کشور و ثباتی برای تجزیه آن سخن میگویند ؛

در وضعیتی که افغانستان هیچ سرحد و مرزی ندارد که مطمئن باشد از آن تجاوز و مداخله صورت نخواهد گرفت ؛ در وضعیتی که پول از کانالهای مخفی و آشکار برای تطبیق اهداف بیگانه نه تنها ولایات بلکه پشت دیوار های ضخیم ارگ را نیز تسخیر نموده است؛

در وضعیتی که از ریاست دفتر رئیس جمهور گرفته تا کابینه و پارلمان و قضا به تصفیه از جواسیس ضرورت دارد صدای تضعیف رهبری متمرکز از هر آدرس و با هر فورمولبندی که مطرح میگردد، آگاهانه و یا غیر آگاهانه در خدمت اهداف ستراتیژیک پاکستان و دول طماع منطقوی و فرا منطقوی قرار میگیرد . سیاست به اصطلاح « هند محور » پاکستان به افغانستان بی ثبات ، دستنگر و دارای حکومت مرکزی ضعیف نیاز دارد تا به آرزوی عمق ستراتیژیک خود برسد .

سیاستهای توسعه طلبانه و بخصوص ضد آمریکایی ایران با استفاده از محور های مذهبی و لسانی از یکطرف و تقویت تاکتیکی نیروهای ضد امریکایی مسلح در داخل افغانستان از طرف دیگر تنها در افغانستان نآرام و بی ثبات زمینه های تحقق یافته میتواند .

معضله آب که دارد به محوریتترین معضلات بین کشوری مبدل میگردد ، در سیاستهای افغانی کشور های منطقه، افغانستان را که منبع بزرگ تولید آب در منطقه است در معرض برنامه های شوم قرار داده است اینها همه مسایلی اند که کاندیدی اگر بخواهد حمایت ما را با خود داشته باشد در مورد آن مواضع روشن بر محور منافع ملی اعلام شده داشته باشد .

- اجماع مورد بحث ما باید قادر گردد تا فورمولبندیهای را دریابد تا پیروزی در انتخابات غلبه پنداشته نشود ، تجربه افغانستان و بهار عربی نشان داد که چنین پنداشتها به عوامل بزرگ فجایع سرتاسری کشوری مبدل گردیدند . نیروهای وطندوست وظیفه خواهند داشت تا تداوم پروسه های سیاسی ، اقتصادی و اجتماعی را در یک حرکت تکاملی ، بسوی کمال حراست و حمایت نمایند .

- ما دیدیم که چگونه استقرار حاکمیت جهادی هستی مادی و معنوی کشور را فروبلعید،

چپاول و انحلال اداره منظم ، تاراج اردوی نیرومند و مجهز و ساختار های امنیتی کشور تحت نام غنیمت و تاسیس ملوک الطوائفی تنظیمی که به جنگهای میان گروهی و کوچه به کوچه انجامید شیرازه روابط میان افغانان را فرو پاشید و به تعصب اتنیکی و مذهبی دامن زد . امروز ، در آستانه انتخابات عده ی آماده میشوند تا کشته های خود را برونند . مردم افغانستان متشکل از اقوام متعدد است که در موزائیک زیبای اخوت افغانی کلتور ، فرهنگ و تاریخ این سرزمین را بوجود آورده اند، تا جائیکه دیده میشود دستان غرض آلود داخلی و خارجی در تلاشند تا با انقطاب مردم و تحریک تعصبات قومی مذهبی و زبانی برای خودویا کاندیدای مورد نظر شان رای تدارک نمایند . ما چنین تلاشها را خیانت ملی طبقه بندی نموده محکوم مینمایم .

- ما معتقدیم که رفع پرولمهای مرتبط به تقویت نظامی افغانستان پروسه ایست که به امکانات مالی و زمان نیاز دارد و از طریق موضع گیریهای احساساتی و عجولانه راه حل خود را یافته نمیتواند ، زنده گی ثابت خواهد کرد که در بسا موارد در عقب چنین حرکات عجولانه و احساساتی برنامه های عوامفریبانه استخباراتی مخفی ساخته شده اند . هیچ ملتی با تضمین و مصارف دیگران قادر به دفاع از خود نگردیده و نخواهد شد . قیل از هر چیز به ستراتیژی باید اندیشید که چگونه کمک های جهانی و منابع داخلی بدون آنکه وضعیت عرصه های دیگر حیات اجتماعی و اقتصادی کشور را به بحران بکشاند بخاطر تامین صلح، ثبات ، امنیت و تقویت نهاد های دفاعی و امنیتی کشور مورد استفاده درست قرار گیرد . افغانستان تجربه ساختن اردو و ارگانهای امنیتی نیرومند را دارد . لازمست بدون تعصب به آن مراجعه گردد . برخورد متعصبانه با کادر ها و تجارب گذشته، بازی با سرنوشت ارگانهای دفاعی و امنیتی و خوشخدمتی به استخبارات بیگانه درست بدست کسانی تحقق یافته است که امروزه سنگ تقویت دفاعی و امنیتی کشور را به سینه میزنند و شرایطی را بوجود میآورند که طی آن روابط با جامعه جهانی به سردی گراید . مصاحبه های پرسروصدا و غیر مسؤانه اشخاص معلوم الحال و اطلاع رسانی هدفمند به رهبران حکومتی در مورد جریانات قطر حد اقل به نتایج آتی انجامید :

الف - سردی روابط با جامعه بین المللی .

ب - تقویت مواضع طالبان بمثابه بدیل سیاسی - نظام .

ج - تقویت گزینه پاکستان به حیث قیم افغانستان .

د - جنگ نیابتی احزاب رقیب امریکایی در افغانستان .

ه - روزمره گی سیاست و سیاسیون بر سر اقتدار افغان .

و - از بین بردن و یا لافل تضعیف عوامل دراز مدت ثبات برای افغانستان .

آنچه ما گفتیم اتمام حجت نیست ، با چنین دیدگاه ها دست همکاری و تشریک مساعی بسوی نیروهای وطندوست ، ملی و مترقی کشور دراز میکنیم یکبار دیگر توجه را به حساسیت اوضاع جلب میداریم و معتقدیم هیچگونه لفاظی جای عمل مشخص را گرفته نمیتواند .